



ترفند وزارت کار برای تضعیف تشکل های کارگری



صادق کار

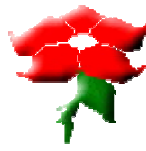
بنابر گزارشی که در دوم خرداد توسط خبرگزاری کار ایران (ایلنا) تحت عنوان "جزییات طرح وزارت کار برای تغییر ساختار تشکل‌های کارگری" منتشر گردید، وزارت کار پیشنویس طرحی را جهت تغییر ساختار و ادغام تشکل‌های مرتبط با جریان‌های مختلف حکومتی که از آنان با عنوان (تشکل‌های رسمی) یاد می‌کنند تهیه کرد و آن را برای بحث، بررسی و تدوین نهایی در اختیار تشکل‌های فوق‌الذکر قرار داده است. ظاهراً قصد وزارت کار از این اقدام بنا به گفته معاون وزیر «توانمندسازی و ساماندهی مشارکت تشکل‌های کارگری و کارفرمایی در تنظیم روابط کار» است.

مطابق مقاله نامه‌های سازمان بین‌المللی کار، اساساً دولت‌ها با هیچ عذر و بهانه‌ای حق دخالت در امور سازمان‌های کارگری و کارفرمایی را ندارند و نه حق دارند مانع تشکیل آن‌ها شوند و نه اعضای اتحادیه‌ها را به خاطر فعالیت اتحادیه‌ای‌شان تحت پیگرد قرار دهند.

وزیر کار بعنوان عضو هیئت رئیسه نوبتی سازمان بین‌المللی کار که از این مقررات به خوبی اطلاع دارد مجاز نیست برای سازماندهی تشکل‌های وابسته به حاکمیت یا برای متمرکز کردن آن‌ها در دست دولت‌های وقت طرح و نقشه تهیه کند، اما نظر به عملکرد دولت و وزارت کار جای کوچکترین تردیدی وجود ندارد که هدف عمده طرح مذکور، خلاف آن چه گفته شده حتی نه "توانمندسازی" تشکل‌ها

درست در هنگامی که چندین تن از فعالان و رهبران شناخته شده و مورد حمایت و منتخب کارگران که به دلیل تلاش برای شرکت در بزرگداشت روز جهانی کارگر بر خلاف قانون و مقاله نامه‌های ۸۷ و ۹۸ بازداشت و زندانی شده‌اند و وزیر کار به عنوان نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران عضو هیئت مدیره سازمان بین‌المللی کار است، بر حسب وظیفه‌اش در این سمت بایستی متعهد به مقاله نامه‌های

شگفتا، درست در هنگامی که چندین تن از فعالان و رهبران شناخته شده و مورد حمایت و منتخب کارگران که به دلیل تلاش برای شرکت در بزرگداشت روز جهانی کارگر بر خلاف قانون و مقاله نامه‌های ۸۷ و ۹۸ بازداشت و زندانی شده‌اند و وزیر کار به عنوان نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران عضو هیئت مدیره سازمان بین‌المللی کار است، بر حسب وظیفه‌اش در این سمت بایستی متعهد به مقاله نامه‌های



از تجربه دیگران

تشکل‌های کارگری در پاکستان - ۷

بدون هیچ نقشی در روند سیاسی،

کریستوفر کاندلند Christopher Candland

ترجمه‌ی گودرز

سرکوب کارگران و دولت طرفدار کارگران بوتو



کارگران باراندازی در کار تخلیه آهن آلات قراضه از یک کانتینر.
"تنها یک دولت ضد کارگر می‌تواند بر ضد تشکل کارگران اقدام کند."
(Credit: ILO/Jacques Maillard, 1985)

در نخستین سخنرانی پس از انتخاب به ریاست جمهوری، ذوالفقار علی بوتو قول فرارسیدن عدالت اقتصادی و اجتماعی را به کشور پاکستان داد. او سپس به صنعتگران توصیه کرد که از اخراج کارگران پرهیز کنند و در کارزارهای انتخاباتی اش از کارگران بعنوان "سروران" و "فراورندگان ثروت" ملی یاد کرد. در مدت دوهفته پس از انتخاب او در اجرای پیشنهادات انتخاباتی اش در ملی کردن برخی صنایع مادر، اداره ۳۳ واحد صنعتی را تحت قانون "رفرم اقتصادی ۱۹۷۲" بر عهده دولت گذاشت.

در نوامبر ۱۹۷۳ در طی یک سخنرانی در کنفرانس سه جانبه کار در راولپندی، بوتو اظهار داشت که "موفقیت انتخاباتی او مدیون حضور توده های زحمتکش کارگران و دهقانان بوده است که با حزب مردم پاکستان مشارکت کرده اند. و ما نمی‌توانیم مهربانی آنان را فراموش کنیم."

بوتو در آغاز در این راه خدمات مهمی برای کارگران رسمی انجام داد: او اولین قانون تأمین اجتماعی، قانون پرداخت کمک به جبران خسارت در نتیجه صدمات بدنی در محیط کار، مشارکت کارگران در سود کارخانه ها و عضویت کارگران در مدیریت کارگاه های تولیدی را تصویب کرد و

های وابسته بلکه متوجه بوروکراتیزه کردن آن‌ها، حذف بدنه تشکل‌های مذکور از روند تصمیم سازی های سازمانی و ایجاد یک نوع تمرکز بوروکراتیک قابل کنترل تر به منظور هماهنگی هرچه بیشتر بین آن‌ها و دولت است. از همین رو طرح مذکور طرحی است در جهت تضعیف بازهم بیشتر حقوق سندیکایی کارگران و ترفندی است برای سر باز زدن از اجرای مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار.

این طرح نظر به نفوذ دولت در تشکل های فرمایشی و وابسته به رگم غرولند های سهم خواهانه برخی از سرکردگان تشکل های حکومتی به احتمال زیاد، تحت مدیریت وزارت کار عملی خواهد شد و علی ریبیعی سعی خواهد کرد که این تشکل جدید را که معمار اصلی آن کسی جزء خود او نیست به عنوان کنفدراسیون سراسری به سازمان بین المللی کار بقبولاند و برای مدتی دیگر کارگران و مزدبگیران ایران را از حق تشکل واقعی محروم نگاه دارد.

اما خطای بزرگ ریبیعی آن است که هنوز فکر می کند با فریب، نیرنگ، سرکوب و بازگرداندن چرخ زمان به عقب می تواند مبارزات حق خواهانه کارگران و مزدبگیران برای تشکل یابی مستقلانه را با این گونه ترفندهای بی اثر کند.

در زمانی که حتی عده زیادی از بدنه تشکل های وابسته، زنجیر قید و بندهایی را که توسط ریبیعی و شرکای خانه کارگری وی به دست و پایشان بسته شده بود می گسلند و اعتصاب ها و اعتراض ها نقش می گیرند، این گونه طرح ها حاصلی جز بدنامی برای بانیانش در پی نخواهند داشت. کارگران خودشان بهتر از هرکس دیگر راه توانمند شدن را بلد هستند.

آن هایی که این طرح را معماری کرده‌اند نیز این نکته را خوب می دانند، زیر پوشش "توانمند سازی" می خواهند مانع توانمندی تشکل های واقعی کارگران شوند.

وزارت کار بهتر است دست از این توطئه گری ها که همگی خلاف قانون و مقاله نامه های سازمان بین المللی کار است، بردارد و به جای سرهم بندی کردن تشکل های قلابی، مطابق مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ و توافقاتی که در سال ۸۳ با نمایندگان سازمان بین المللی کار توسط این وزارت خانه صورت گرفت، حقوق سندیکایی کارگران و سایر مزدبگیران یدی و فکری را بپذیرد و در مقام مسئول اجرای درست آن را تضمین کند.



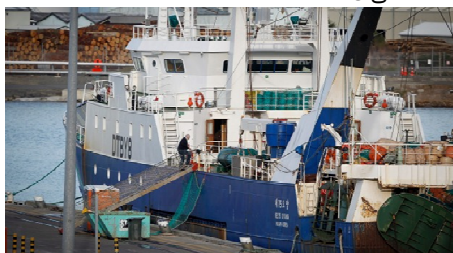
اخبار خارجی:

سنگاپور - نیوزیلند

بردگی در دریاها نیوزیلند:

تجاوز، کار اجباری و سوء استفاده در کشتی های ماهیگیری

اخبار نیوزیلند، ۲۶ می ۲۰۱۵



کشتی اویانگ 75: یک کشتی ماهیگیری کره ای که خدمه آن در بندر لیتلتون آن را ترک کردند و از شیوع تجاوز، کار اجباری و دستمزدهای معوقه در آن خبر دادند

بنا بر گزارشی که امروز در نیوزیلند انتشار یافته است، ماهیگیران اندونزی که روی کشتی های فعال در آبهای نیوزیلند کار می کنند، با شرایطی برده وار، خشونت و سوء استفاده جنسی روبرو اند.

تحقیقی که توسط دانشگاه آکلند، مبتنی بر مصاحبه با ۳۰۰ ماهیگیر انجام شده است، اعلام می کند که این ماهیگیران مجبور بوده اند مدتی طولانی را یکسره - با شیفت کار از ۱۶ تا ۵۳ ساعت و به ازای دستمزدی برابر ۴۹ سنت در ساعت، کار کنند. آنها همچنین در معرض خشونت فیزیکی بوده و در "ثله بدهکاری" گرفتار شده اند.

این گزارش می گوید که برخی از خدمه این کشتیها برای بقایشان مجبور به خوردن طعمه گندیده شده اند. شرایط کار بر روی برخی از این کشتیها - که بیشترشان متعلق به شرکتهای کره ای و در اجاره شرکتهای نیوزیلندی اند، تماماً بر معیارهای بین المللی برای بردگی، کار اجباری و قاچاق انسان منطبق اند.

یمی از ماهیگیران برای پژوهشگران چنین تعریف می کند: "پس از یک شیفت کار بسیار طولانی، من خسته و خوابالود به طبقه پائین رفتم. می خواستم استراحت کنم، اما با یک ملوان کره ای مواجه شدم. او با مشت به پس گردنم کوبید. شش مشت دیگر هم به صورتم زد. خون از دماغم جاری شد، درد شدیدی در چشمانم پیچید و سرم گیج رفت.

به اجرا درآورد. اما در سال ۱۹۷۴ بوتو سوگند خورد که اگر کارگران به اعتراضات خود خاتمه ندهند، قدرت خیابان را با قدرت حکومت پاسخ خواهد داد. حقیقتاً هم بسیاری از کارگرانی که جنبش را در سالهای ۶۹-۱۹۶۸ رهبری کرده بودند، تحت حاکمیت بوتو بازداشت و گاه زخم خوردند. در ژوئن ۱۹۷۲، بطور مثال پلیس کارگرانی را در تظاهرات در کارخانه صنعتی و تجاری سند به گلوله بست و کشت. چگونه حمایت از حقوق کارگران در قدرت سیاسی را همزمان با سطح بالای اعمال خشونت در سرکوب آنان آن طور که توسط رهبران وقت جنبش کارگری ادعا می شود، می توان توضیح داد؟

رهبری حزب مردم پاکستان، از جمله خود بوتو، مدعی بوده اند که این خشونت ها ضروری بودند، چرا که عوامل یک دولت خارجی که در اتحادیه های صنفی نفوذ کرده بودند از اعتراضات صنعتی برای بی ثبات کردن کشور استفاده می کردند. از طرف دیگر رهبران وقت جنبش کارگری معتقدند که بوتو در رفرم هایش، به سود کارگران جدی نبود و او بلافاصله پس از رسیدن به قدرت به ریشه های تیول خود خیانت کرد. این توضیح در تأثیر دو عامل فوق لزوماً توجه ما را به نقش ارتش و بوروکراسی باز می گرداند.

در حالی که بوتو در آغاز به رشد تشکل های کارگری بها می داد، بوروکراسی و پلیس آنها را با خشونت سرکوب می کردند. گل رحمان، رئیس کنفدراسیون کارگران، داستانی را برای من نقل کرده است، که موضوع "خیانت بوروکرات ها" را توضیح می دهد. در سال ۱۹۷۳ رحمان با بوتو دیدار داشت و در آن دیدار بوتو قول داد که حقوق عقب افتاده کارگران "کارخانه پارچه بافی سوات" را اعاده خواهد کرد و کارگران ظرف یک هفته حقوق شان را دریافت خواهند کرد.

بوتو دستور را به وزیر مناطق مرزی شمال غرب و وزیر داخله ابلاغ کرد، اما آنان گفتند که نمی توانند کارفرمایان را مجبور به پرداخت بدهی شان کنند. بوتو تأکید کرده بود: "یک هفته!" اما کارگران ماه ها بعد حقوقشان را دریافت کردند، وقتی که "فدراسیون مزدبگیران آزاد" مدیران را گروگان گرفته و اعلام کرد که تا حقوق ها پرداخت نشود آنان را آزاد نخواهند کرد. این اتفاق نشان می دهد که این، بیشتر بوروکرات ها و کارفرمایان بودند که علیه بوتو کار می کردند و نه بوتو علیه کارگران.

حزب مردم پاکستان را در سال ۱۹۷۰ ذوالفقار علی بوتو پایه گذاشت. شعار این حزب چنین بود: "اسلام عقیده ماست. دموکراسی سیاست ماست. سوسیالیسم اقتصاد ماست و همه قدرت از آن مردم ماست." پس از ذوالفقار علی بوتو، دخترش بی نظیر بوتو و اکنون نوه اش بلال زرداری رهبری حزب را بر عهده داشته اند.



در بازگشت به اندونزی، آنها می کوشند زندگی بخورونمیری را از دریا به چنگ آورند و امیدوار باشند آنچه را که در کشتیهای ماهیگیری بر آنها گذشته است، فراموش کنند. یکی از کارگران می گوید: "ما در این باره با هم حرفی نمی زنیم. می کوشیم فراموش کنیم".

* * * * *

قطر – نپال

اعتراض نپال به قطر و فیفا (FIFA) به ممانعت از برگشت کارگران نپالی

گاردین، ۲۷ می ۲۰۱۵



عکسی از عملیات نجات در جریان زلزله مرگبار نپال

تک بهادر گورونگ، وزیر کار نپال، دولت قطر و فدراسیون بین المللی فوتبال (FIFA) را به خاطر پرهیز از دادن اجازه خروج از قطر به کارگران نپالی، به شدت مورد انتقاد قرار داد. کارگران مهاجر نپالی در قطر پس از وقوع دو زلزله متوالی در نپال، قصد بازگشت [موقت] به کشورشان را داشته اند. این دو زلزله تا کنون بیش از ۸ هزار کشته به جای گذاشته و هزاران نفر هنوز مفقود الاثر اند.

بیش از ۴۰۰ هزار کارگر مهاجر نپالی در قطر کار می کنند. بیشتر این عده به ساختن تأسیسات و زیرساختهای لازم برای برگزاری جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ در قطر، اشتغال دارند.

تک بهادر گورونگ در مصاحبه با گاردین می گوید: "پس از زلزله ۲۵ آوریل، ما از تمام شرکتها مستقر در قطر خواستیم که به کارگران نپالی شان مرخصی مخصوص بدهند و هزینه سفر آنان به نپال را بپردازند.

از حال رفتن و به زمین افتادم. وقتی در همانجا به هوش آمدم صورتم بادکرده و یک چشمم خونمرده بود و به سختی می توانستم چیزی را ببینم.

گزارش حاکی از آن است که فرماندهان کشتیها دارای قدرت مطلقه در این امپراتوریهای روی آب اند، تهدید می کنند، از پرداخت دستمزد تن می زنند و شیره جان کارگران را می کشند تا تسلط شان را بر آنان حفظ کنند.

در کشتیهای که خدمه شان همگی مرد اند، تجاوز و سوء استفاده جنسی یک امر رایج است. چندین نفر از کارکنان یک کشتی از تجاوز فرماندهان کشتی به خدمه شهادت دادند.

"ناگهان فرمانده به طرف من آمد و خواست مرا ببوسد. من تلاش کردم او را از خود دور کنم، تا این که حس کردم دیگر تاب مقاومت ندارم..."

فرار از کشتی یا ترک آن ساده نیست. بسیاری از ماهیگیران زیر بار قرض کارفرمایانشان اند و خانه شان وثیقه قراردادهای منعقد است.

یکی از آنان، که مورد ضرب و جرح و سوء استفاده جنسی فرماندهان قرار گرفته بود، کشتی اش را در نیوزیلند ترک کرد. این اقدام به قیمت سنگینی برای خانواده اش تمام شد. او برای گرفتن این شغل بیش از ۴ هزار دلار به یک واسطه اندونزیایی پرداخته و سه ماه حقوق اش را با ضمانت برادرش به عنوان وثیقه کار پذیرفته بود.

ترک کشتی موجب شد که خانواده او به مدت ۶ سال در اسارت بدهی او بماند. برادرش به پرداخت ۱۵ هزار دلار غرامت محکوم شد و دادگاه خانه او را تا غرامت پرداخت نشود، ضبط کرد.

گزارش تحقیق همچنین می گوید که ماهیگیری در آبهای نیوزیلند و ماهیگیران تحت پوشش قوانین کار و استخدام محلی (مربوط به نیوزیلند) قرار دارند. اما هیچ یک از کارگران تحقیق حاضر، از حداقل دستمزد نیوزیلند برخوردار نبوده است. در خلال ۵ سال گذشته بیش از ۵۰۰ تن از ماهیگیران کشتیهای محل کار خود را در نیوزیلند ترک کرده و کوشیده اند علیه این اوضاع دست به اقدام قانونی بزنند. اما هیچ یک از آنان موفق به احقاق حقوق از دست رفته اش نشده است.



فدراسیون اتحادیه های هلند اعلام کرده است که "مذاکرات اتحادیه ها با وزیر مسکن هلند، استفان بلوک، مدت‌هاست که به بن بست رسیده و بنابراین هنگام عمل فرارسیده است."

مارکو آوه‌ند، از رهبران فدراسیون نامبرده پیش از شروع اکسیون توضی می دهد: "ما دست به یک راهپیمائی سمبولیک خواهیم زد: راهپیمائی از میدان ویلهلمینا شروع خواهد شد، و از طریق پل آراسموس به میدان ویلم ختم خواهد شد. به این ترتیب امیدواریم این پیام را به وزیر برسانیم که باید از پل عبور کند."

این راهپیمائی در ساعت ۱۲:۰۰ آغاز شد و تا ساعت ۱۵:۰۰ ادامه یافت.

مذاکرات دولت و اتحادیه ها بر سر یک قرارداد کار جمعی جدید برای ۱۲۰ هزار کارکن دولت در روز ۱۳ می به بن بست رسید. اتحادیه ها نسبت به در راه بودن اعتراضات در صورت بن بست در مذاکرات به وزیر هشدار داده بودند. اما بلوک این هشدار را نپذیرفت.

پس از آن و دذر هفته گذشته بود که اتحادیه ها انجام یک رشته اقدامات اعتراضی را اعلام کردند. اولین این اعتراضات، حرکت امروز در روتردام بود.

اتحادیه ها خواهان ۳ درصد افزایش حقوق اند. آنها همچنین نگران بی ثباتی فزاینده مشاغل اند. در برخی از بخشهای دولتی به مدت ۴ سال است که هیچ افزایش حقوقی نبوده است.

در حالی که در برخی از بخشهای اقتصاد به این خواست پاسخ مثبت داده شده است، اما به کارگرانی که روی تأسیسات بازیهای جهانی کار می کنند، این اجازه داده نشده است. دلیل این امتناع، "لزوم ادامه کار برای تکمیل به موقع پروژه ها" اعلام شده است."

او می افزاید: "وضع کارگران مهاجر مادام که فدراسیون فوتبال و حامیان قدرتمند آن بر لزوم تغییر اصرار نکنند، هیچ تغییری نخواهد کرد... ما یک کشور کوچک و فقیر ایم و آن سازمانهای قدرتمند علاقه ای به شنیدن صدای ما ندارند."

بسیاری از کارگران خارجی در قطر مجبور اند از مقررات کاری به نام "کفالت" تبعیت کنند، که به موجب آن کارگران به یک کارفرمای واحد وابسته می شوند، مجاز به جابجائی نیستند، و گاه حتی باید پاسپورت شان را به کارفرما تحویل دهند.

* * * * *

هلند

اعتراض کارکنان دولت برای قرارداد کار جمعی

آژانس عمومی خبر، ۲۶ می ۲۰۱۵



26 می 2015، روتردام: اعتراض کارکنان دولت

امروز، سه شنبه ۲۶ می، در روتردام بیش از هزار نفر از کارکنان دولتی ادارات و سازمانهای مالیات، گمرک و زندانها با خواست "یک قرارداد کار جمعی بهتر" دست به اعتراض زدند.



کارگران ایران:

آن‌ها به شعبه یک دادگستری شهرستان ساوه مراجعه کردند.

مسئولان قضایی ضمن برخورد کینه جوینانه، عصبی و خصمانه با خانواده‌های این دو فعال کارگری، اعلام کردند که شاپور احسانی راد و جعفر عظیم زاده برای بازجویی‌های مجدد به قرنطینه فرستاده شده و تاکید کردند تا اطلاع ثانوی پیگیر آزادی آن‌ها نشوید. هردو ممنوع‌الملاقات هستند و تماس‌های تلفنی را که در روزهای قبل امکان پذیر بود نیز قطع کرده‌اند.

شاپور احسانی راد پس از گذشت ده روز از بازداشت اولیه و در حالی که روز یکشنبه سوم خرداد طبق اطلاع قبلی به خانواده قراربند با وثیقه آزادشود از روز دوشنبه ۴ خرداد مجدداً به قرنطینه منتقل و دوباره مورد بازجویی قرارگرفت. مسئولان قضائی حتی از تحویل وسایل و لوازم نیازهای اولیه جعفر عظیم زاده که در همان روز سوم خرداد دستگیر شده بود نیز خودداری کردند.

اعتراض ۲۱ تشکل کارگری در ایران

۲۱ انجمن صنفی کارگران ساختمانی در استان تهران با امضای نامه‌ای از آنچه توزیع ناعادلانه سهمیه بیمه کارگران ساختمانی خوانده‌اند، اعتراض کردند.

به گزارش ایلنا، در این نامه که به صورت همزمان برای سازمان تامین اجتماعی، وزارت کار و کمیسیون اجتماعی مجلس ارسال شده است، آمده است «انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی از توزیع ناعادلانه سهمیه بیمه در شهرهای مختلف استان تهران ناراضی هستند.»

امضا کنندگان این نامه در ادامه با خبر دادن از قصد خود برای اعتراض به توزیع ناعادلانه سهمیه بیمه کارگران ساختمانی، گفته‌اند «اگر سازمان تامین اجتماعی بی‌عدالتی‌های رخ داده را اصلاح نکند از این سازمان در دیوان عدالت اداری شکایت می‌کنند.» این ۲۱ تشکل کارگری در عین حال با اشاره به توزیع ۲۰۰ هزار سهمیه بیمه کارگران ساختمانی در سطح کشور در سال‌های گذشته، آورده‌اند «در سال‌های گذشته ۲۱ هزار و ۵۰۰ سهمیه بیمه به کارگران ساختمانی ساکن در استان تهران اختصاص داده می‌شد، اما امسال ۱۰۰ هزار سهمیه بیمه در سطح کشور توزیع شده است، تنها

بازداشت جعفر عظیم زاده

جعفر عظیم زاده، فعال کارگری مستقل ظهر (یکشنبه ۳ خرداد) پس از مراجعه به دادگستری ساوه برای پیگیری پرونده «شاپور احسانی راد»، مشاور کارگران لوله و نورد صفا بازداشت شد.

احسانی راد شنبه هفته گذشته (۲۶ اردیبهشت) به اتهام مشاور و نماینده کارگران لوله و نورد صفا بازداشت شده بود. او از فردای روز بازداشت در زندان مرکزی ساوه به سر می‌برد. منابع کارگری می‌گویند جعفر عظیم زاده به همراه خانواده احسانی راد برای پیگیری پرونده بازداشت این فعال کارگری به دادگستری ساوه رفته بود که بازپرس پرونده در پی اعتراض عظیم زاده به طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده احسانی راد، او را برای بازجویی به اتاق دیگری برد و سپس دستور بازداشت این فعال کارگری را صادر کرد.

آخرین وضعیت جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد



چهارشنبه ۹۴/۲/۶ خانواده‌های جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران و شاپور احسانی راد عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران که در ارتباط با اعتصاب متحدانه ۲۵ روزه کارگران کارخانه نورد و لوله صفا در شهرستان ساوه دستگیر شده‌اند، به منظور پیگیری وضعیت



یکی از کارگران معترض در این باره به ایلنا گفته «فضای فشار و تهدید در تصمیم برخی از کارگران برای خاتمه دادن به اعتصاب بی‌تاثیر نبوده است.»

ایلنا در هفته گذشته از تهدید دو تن از نمایندگان کارگران لوله و نورد صفا در دادگستری ساوه و احضار شمار دیگری از کارگران این کارخانه به یک نهاد امنیتی خبر داده بود.

کارگران لوله و نورد صفا از ابتدای اردیبهشت ماه امسال در اعتراض به تعویق ۴ ماه حقوق و بیش از ۱۶ ماه حق بیمه دست از کار کشیدند.

۸ هزار و ۲۰۰ سهمیه بیمه به استان تهران اختصاص داده شده است، در حالی که بر اساس سنت هرساله باید ۱۵ هزار و ۷۵۰ سهمیه بیمه به کارگران ساختمانی این استان اختصاص داده می‌شد.»

پایان اعتصاب کارگران لوله و نورد صفا



دوشنبه ۴ خرداد پس از تشکیل مجمع عمومی، کارگران لوله و نورد صفا تصمیم گرفتند به اعتصاب سی و پنج روزه خود پایان دهند.

این کارگران با استناد به نامه رئیس اداره تامین اجتماعی ساوه که پرداخت حق بیمه‌های عقب افتاده آن‌ها را تایید کرده است و پرداخت بخشی از معوقات حقوقی‌شان تصمیم گرفتند به اعتصاب خاتمه دهند.

کارگران لوله و نورد صفا پیش از شروع اعتصاب حقوق ماه‌های دی، بهمن، اسفند و فروردین را دریافت نکرده بودند، اما با طولانی شدن اعتصاب، حقوق اردیبهشت ماه نیز به این فهرست اضافه شد، بنابراین با احتساب یک ماه حقوقی که کارفرما در ابتدای این هفته پرداخت کرده است، کارگران لوله و نورد صفا بازم چهار ماه حقوق طلبکارند.

این کارگران در شرایطی به کار بازگشته‌اند که پیش از این در میانه اعتصاب با امضای طوماری مدعی شده بودند کارفرما ۴ ماه از دستمزدشان را به گروهان گرفته است تا آن‌ها را به صورت «برده وار» وادار به کار کند. منابع کارگری می‌گویند کارفرما وعده داده است حقوق‌ها را از این پس پیش از پایان هر ماه پرداخت کند و دو ماه از چهار ماه حقوق معوقه را نیز تا پایان امسال پرداخت کند، به این ترتیب که از مهر ماه به بعد در هر ماه به جای سی روز حقوق، چهل روز حقوق پرداخت کند یا در پایان فصول پاییز و زمستان یک ماه بیشتر به کارگران حقوق پرداخت کند.

اخبار کوتاه:

اقدام به خودسوزی یکی از کارگران کارخانه "چینی بهداشتی رز"

اردکان خبر:

یکی از کارگران کارخانه چینی بهداشتی رز اقدام به خودسوزی کرد ولی با واکنش سریع کارگران دیگر جلوی این حادثه گرفته شد.

چند ماهی است که این واحد صنعتی دچار مشکلات مالی است و دو روز قبل از این حادثه نیز کارگران این کارخانه جهت اعتراض به وضع موجود اعتصاب کرده بودند .

حقوق نگیریم؛ شهر را به هم می‌ریزیم

کارگران شهرداری منطقه ۳ همدان تهدید کردند اگر حقوق آنها پرداخت نشود شهر را به هم خواهند ریخت.

به گزارش تابناک همدان؛ تعدادی از کارگران پیمانکاری فضای سبز شهرداری همدان که تعداد آنها به ۱۰۰ تن می‌رسد، چهار ماهی است حقوق آنها پرداخت نشده، اعلام کرده‌اند با توجه به این که این حقوق تنها منبع درآمد آنهاست، برای کسب مطالبه خود چاره‌ای جز آشوب در شهر ندارند. تلاش خبرنگاران ما برای دست‌یابی به مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه ۳ همدان برای کسب اطلاعات بیشتر به دلیل مرخصی بودن آقای مسئول، هنوز محقق نشده است .



کارگران قند کامیاران تجمع کردند

۳۰ کارگر کارخانه قند کامیاران در اصفهان، در اعتراض به بدقولی کارفرما درخصوص پرداخت حقوق معوقه‌شان مقابل در ورودی کارخانه تجمع کردند. .

* * * * *

سه سال انتظار کارگران «آزمایش مرودشت» برای بازنشستگی

۱۷۰ کارگر کارخانه آزمایش مرودشت که از شهریور ۹۱ با تعطیلی این کارخانه در بلاتکلیفی به سر می‌برند.

کارگران کارخانه آزمایش مرودشت می‌گویند: در زمان تعطیلی کارخانه ۲۰۰ کارگر در این واحد صنعتی مشغول بکار بودند که تعداد ۱۰۰ تن از آنها در همان زمان با سوابق کار بین ۲۰ تا ۲۸ سال بازنشسته شدند اما کارفرما تا به امروز به دلیل آنچه که کمبود منابع مالی عنوان می‌کند از پرداخت حق سنوات و سایر مطالبات قانونی کارگران بازنشسته خودداری کرده است.

* * * * *

در استان کرمانشاه؛

یک سوم کارگران «کاشی بیستون» بیکار شدند

۱۰۰ کارگر کارخانه کاشی بیستون در استان کرمانشاه از ابتدای سال ۹۴ شغل‌شان را از دست دادند .

به گزارش ایلنا، تا پایان اسفند ماه سال گذشته در کارخانه کاشی بیستون ۳۰۰ کارگر قراردادی مشغول به کار بودند اما کارفرما از ابتدای فروردین ماه سال ۹۴ یک سوم نیروی کار این واحد تولیدی را بعد از اتمام قرارداد کارشان اخراج کرده است . .

* * * * *

تجمع کارگران تعاونی مسکن نساجی کردستان

اتحادیه آزاد کارگران ایران :

طبق اخبار رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، سه شنبه ۵ خرداد ۱۵۰ الی ۲۰۰ کارگر تعاونی مسکن نساجی کردستان با تجمع در محل زمین خریداری شده، بعد از ۱۳ سال توانستند با حکم دادگاه زمین شان را بدست آورند .

۱۴ ماه دوندگی ۷۰ کارگر اخراجی «اکسین لوله»

۷۰ کارگر کارخانه «اکسین لوله» ۱۴ ماه بعد از تعطیلی این واحد تولیدی با وجود صدور حکم توقیف اموال کارخانه هنوز نتوانسته‌اند مطالبات معوقه حقوقی و حق سنوات خدمت خود را دریافت کنند .

بانک ملی پیش از کارگران، اموال کارخانه را برای وصول طلب میلیاردها اش توقیف کرده است . .

* * * * *

📖 حوادث کار:

مرگ کارگر جوان در مجتمع در حال ساخت

کارگر جوانی حین کار در یک مجتمع در حال ساخت، خیابان ولیعصر تهران، بعد از پل توانیر، دچار حادثه شد و جانش را از دست داد.

به گزارش ۵ خرداد پایگاه خبری ۱۲۵، بنا به اظهار حسین مهتاب فرمانده آتش نشانان ؛ یک کارگر ساختمانی در قسمت عقب کامیون خاک برداری مشغول کار بود که در همان هنگام راننده جرثقیل ساختمانی (تاور کرین) پاکت مخصوص خاک برداری را جهت تخلیه خاک به سمت کامیون هدایت کرد که در همان لحظه پاکت این وسیله با کارگر برخورد کرد و باعث گرفتار شدن کارگر جوان بین پاکت حامل خاک و کامیون گردید.

دو سال مطالبات معوقه کارگران اخراجی «خوان گل»

شرکت «خوان گل»، پیمانکار کارخانه فولاد زاگرس پس از گذشت نزدیک به دو سال مطالبات معوقه کارگران اخراجی این واحد تولیدی را پرداخت نکرده است. این شرکت پیمانکاری در سال ۹۲ طبق حکم اداره کار قروه موظف به پرداخت این مطالبات به کارگران شده بود .



بر اثر این حادثه مصدوم شده بودند، که سه‌لی چهار روز پس از وقوع حادثه جان باخت اما بنا به گفته منابع کارگری حال شرقی رو به بهبود است.

یکی از کارگران پیش از این به ایلنا گفته بود «کارگرانی که در کارگاه ریخته‌گری در اطراف دیگ مواد مذاب کار می‌کنند، در اصل باید لباس ضد حریق داشته باشند اما همواره لباس کار معمولی در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد.»

این ادعا از آن جهت حائز اهمیت است که میزان سوختگی دو کارگر جان باخته بیش از ۷۰ درصد گزارش شده است.

مجتمع فولاد خراسان با نزدیک به ۱۵۰۰ کارگر در ۱۵ کیلومتری شمال غرب شهرستان نیشابور واقع شده است .

* * * * *

تصادف خودرو کارگران «فولاد کویر» یک کشته و ۱۰ مصدوم

به گزارش خبرنگار ایلنا، این حادثه در ساعت ۲۳ و ۲۰ دقیقه شب (۴ خرداد) زمانی اتفاق افتاد که کارگران بعد از یک شیفت کاری از فاصله شش کیلومتری محل کارشان در کارخانه فولاد کویر عازم محل سکونت خود در آران و بیدگل بودند.

به گزارش شاهدان عینی، سرویس حامل کارگران شرکت فولاد کویر از قسمت جلو با تریلی حامل میل گرد پارک شده در کنار جاده برخورد می‌کند و در نتیجه این برخورد یکی از کارگران بنام «اصغر بابایی» ۲۵ ساله کشته می‌شود.

از فرار معلوم شدت تصادف شب گذشته سرویس حامل کارگران فولاد کویر به حدی بود که به غیر از یک کارگر کشته شده، سه کارگر دیگر به اسامی «مهدی حیدریان»، «درخشان» و «احسانی فر» که سرنشینان سمت درب ورودی مینی‌بوس بودند بشدت مجروح شده‌اند. احسانی فر اکنون در وضعیت کما قرار دارد.

به گفته منابع خبری ایلنا، کارشناسان حاضر در صحنه حادثه، عدم روشنایی مناسب و استاندارد نبودن این جاده مهم توریستی و صنعتی را عامل اصلی حادثه شب گذشته گزارش کرده‌اند .

* * * * *



ILNA Iranian Labour News Agency

وی افزود: آتش نشانان بلافاصله پس از ایمن سازی محل حادثه با استفاده از لوازم ویژه، این کارگر را به سطح زمین انتقال و تحویل عوامل اورژانس دادند.

این فرمانده آتش نشانی با اشاره به تأیید فوت این کارگر جوان توسط عوامل اورژانس، تأکید کرد: تحقیقات بیشتر در این خصوص از سوی کارشناسان در حال انجام است .

* * * * *

کشته شدن یک کارگر کوره های آجرپزی وایقان

به گزارش ۵ خرداد شبسترنیوز، سه شنبه ۵ خرداد یکی از کارگران پیمانکار آزاد گازرسانی به کوره های آجرپزی شهر وایقان درحین کار دچار حادثه شد و جانش را از دست داد.

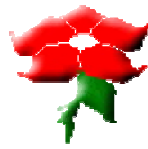
شنیده ها حاکی است ایستگاه گاز بر روی این کارگر سقوط کرده است .

* * * * *

شمار قربانیان فوران مواد مذاب در «فولاد خراسان» به ۲ تن رسید

به گزارش خبرنگار ایلنا، کارگر قراردادی فولاد خراسان طی حادثه‌ای که در تاریخ ۲۲ اردیبهشت بر اثر فوران مواد مذاب از دیگ مستقر در کارگاه ریخته‌گری این کارخانه به وقوع پیوست، مصدوم شده بود.

دو کارگر دیگر به نام‌های «داود سهلی» و «حجت شرقی»



اطلاعیه‌ها:

اتلاف زمان دادرسی در پرونده کارگران "پالایشگاه خمینی شازند"



نامه به نهادهای بین المللی کارگری

سرکوب فعالان سندیکا پی را در ایران محکوم کنید

از: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

به: نهادهای سن المللی کارگری

/ بخش کارگری سازمان جهانی کار

/ فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل

/ کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه

/ کنفدراسیون دمکراتیک کار فرانسه

/ سندیکاهای کارگری فرانسه

/ کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری

با سلام های گرم،

ضمن سپاس گزاری صمیمانه از حمایت های صادقانه شما، از آقایان ابراهیم مددی، رضا شهابی، داود رضوی و از کارگران اخراجی سندیکا، به نام های آقایان حسن سعیدی، وحید فریدونی، ناصر محرم زاده، حسین کریمی سبزواری و خانم فرحناز شیرینی، اولین زن راننده شرکت واحد تهران، از شما نهادهای بین المللی کارگری در خواست می کنیم که موضوع گرفتاری های گوناگون این سندیکا نظیر بازداشت، زندان،

برادر یکی از کارگران کشته شده بر اثر حادثه نشت گاز سمی در واحد آب ترش پالایشگاه خمینی شازند، از آنچه تاخیر دستگاه قضا در رسیدگی به شکایت خانواده های کشته شدگان این حادثه می خواند انتقاد کرد .

«احد مولایی» در این باره به ایلنا گفت: خانواده های مرحوم «محمود مولایی»، «حسن ابراهیمی» و «علیرضا دهقانی» از پالایشگاه شازند و شرکت پیمانکاری قطعه سازان در دادگستری ساوه شکایت کرده اند.

او افزود: با گذشت سه هفته از طرح این شکایت در دادگستری شازند، دادستان کماکان می گوید این پرونده در مرحله تحقیقات است.

مولایی در عین حال گفت: تاخیر در رسیدگی به شکایت خانواده ها از کارفرما و پیمانکار موجب نگرانی است، چرا که به نظر می رسد اراده ای برای برخورد با مقصرین این حادثه در بین مسئولان شهرستان شازند وجود ندارد.

گفتنی است در حادثه ای که روز ۷ اردیبهشت ماه امسال در پالایشگاه خمینی شازند به وقوع پیوست، ۷ کارگر بر اثر استنشاق گاز سولفید هیدروژن در واحد آب ترش [واحد ۱۸] این پالایشگاه مصدوم شدند که سه تن از آنها به نام های مولایی، ابراهیمی و دهقانی جان باختند.

پس از این حادثه، دو حادثه دیگر نیز در این پالایشگاه به وقوع پیوست که به مرگ حداقل یک کارگر و مصدومیت ۱۵ کارگر دیگر منجر شد.

فرماندار شازند نیز دو هفته پس از وقوع این حوادث زنجیره ای با حضور در یک برنامه تلویزیونی از شناسایی ۱۳ قصور کارفرما و پیمانکار خبر داد و اعلام کرد «کوتاهی مسئولین کارفرما، پیمانکاران و کارگران بخش های مختلف مشخص شده است و به مراجعه قضایی تحویل داده خواهد شد.»



برای همه روشن است که این گرسنگی و بی‌حقوقی است که کارگران را برای چنین اعتراضاتی سازمان می‌دهد و آن چه نظم عمومی و امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد بی‌توجهی به وضعیت اسفبار زندگی کارگران و زحمتکشانشان از طرف کسانی است که زمانی داعیه دفاع از مستضعفین را داشتند.

اما سلاح کهنه و پوسیده بازداشت و فشار بر کارگران معترض دیگر کارآیی ندارد، چرا که در مقابل این همه بی‌عدالتی جز اعتراض راه دیگری باقی نمانده و کارگران و همه مردم آزاده و فهیم ایران می‌دانند که مقصر اصلی سودپرستی کارفرمایان و نهادهای حامی آنان است، نه کارگران یا فعالان کارگری که به دفاع از حق و حقوق مسلم خود برخاسته‌اند.

کنون مدافعان حقوق کارگر ضمن محکوم کردن رفتارهای ضد کارگری نهادهای قضائی، خواستار آزادی فوری دستگیرشدگان اخیر و سایر کارگران زندانی است.

کنون مدافعان حقوق کارگر

۶ خرداد ۱۳۹۴

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون تداوم بازداشت شاپور احسانی راد و جعفر عظیم زاده

به تعقیب قضایی و بازداشت فعالان کارگری خاتمه دهید



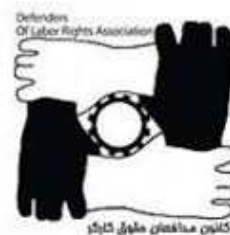
وضعیت فعالان کارگری در ایران برای مدت‌های زیادی است که بسیار دشوار شده و از زمان ریاست جمهوری روحانی این سرکوب‌ها رو به فرونی گذاشته است. در هفته‌های اخیر فشار و تعقیب قضایی جدیدی در مورد فعالان کارگری در ایران به اجرا گذاشته شده و تعداد زیادی از رهبران کارگری توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند. ما از این دستگیری‌های سرکوب‌گرانه بسیار خشمگین هستیم و شیوه‌ی برخورد دستگاه قضایی ایران نیز ما را بیشتر نگران می‌کند.

اخراج، تعقیب و مراقبت پلیسی علیه سندیکای کارگران شرکت واحد را در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار در ماه ژوئن ۲۰۱۵ مطرح و طبق مقاوله نامه‌ها و استانداردهای بین‌المللی کارگری از حقوق بنیادین کارگران ایران و سندیکای کارگران شرکت واحد دفاع کنید. همچنین از شما تقاضا داریم که موضوع فوق را با هیئت اعزامی از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران مطرح و جهت بهبود شرایط فعالیت مستقل کارگری در ایران اقدامات لازم را از این هیئت درخواست کنید.

با سپاس فراوان
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
چهار خرداد ۱۳۹۴

بیانیه کنون مدافعان حقوق کارگر

در محکومیت دستگیری فعالان کارگری



هنوز محمود صالحی که در آستانه‌ی روز جهانی کارگر بازداشت شده بود، آزاد نگشته که دوتن دیگر از فعالان کارگری با عناوین واهی راهی زندان شدند.

شاپور احسانی‌راد و جعفر عظیم‌زاده از اعضای اتحادیه آزاد کارگران، دلیل بازداشت آنها همراهی و همگامی با کارگران لوله و پروفیل ساوه عنوان گردیده که اکنون بیش از یک ماه است در اعتصاب به سر می‌برند.

کارگران این واحد تولیدی که بیش از چهارماه است حقوق‌های خود را دریافت نکرده‌اند در اعتراض به این وضعیت دست به اعتصاب زده‌اند و مسئولان که ناتوان از حل این معضلات هستند به جای برخورد با کارفرمای متخلف و سودپرست، مبادرت به دستگیری فعالان کارگری می‌کنند تا آنها را مقصر جلوه دهند.



بیش از یک ماه در اعتصاب به سر می بردند مورد محاکمه قرار گرفت.

اتحادیه آزاد کارگران ایران حمایت و پشتیبانی از اعتراضات حق طلبانه کارگران ایران را بخشی از ماهیت وجودی خود میدانند و تداوم محاکمه و بازداشت شاپور احسانی را به دلیل مشاور و نمایندگی کردن کارگران لوله و نورد صفا تحت عنوان تحریک کارگران! و نیز محاکمه و بازداشت جعفر عظیم زاده به دلیل انتشار و درج اخبار اعتصابات و اعتراضات کارگران بخصوص خبر لوله و نورد صفا در سایت اتحاد که با هدف انتقام گیری از اعتصاب متحدانه ۲۵ روزه کارگران لوله و نورد صفا و ارباب آنان صورت گرفته است، شدیداً محکوم نموده و مصرانه بر آزادی این دو فعال کارگری که از چهره های خوشنام جنبش کارگری ایران هستند پای می فشارد و بدین وسیله اعلام می دارد در صورت تداوم بازداشت آنان ساکت نخواهد نشست و دست به اقدامات اعتراضی گسترده ای خواهد زد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۵ خرداد ۹۴

اندیشه:

حسن صادقی معاون دبیرکل خانه کارگر

دولت نمی خواهد سرخ تشکل های کارگری از دستانش خارج شود

وزارت کار - یا در نگاه کلی تر دولت - نمی خواهد سرخ تشکل های کارگری از دستانش خارج شود. این تمایل مختص به دولت یازدهم نیست و دولت های نهم و دهم نیز به دنبال هر چه محدودتر کردن تشکل های کارگری بودند.

«حسن صادقی» در این باره به ایلنا گفت: ما در سال ۸۳ برای اصلاح فصل ششم قانون کار که تحت عنوان «تشکل های کارگری و کارفرمایی» در این قانون آمده است با نمایندگان کارفرمایان و دولت وقت به توافق رسیدیم. کار به جایی رسیده بود که ناظرانی از سازمان جهانی کار به تهران آمدند و انطباق اصلاحات پیشنهادی را با مقوله نامه های بنیادین ۸۷ و ۹۸ تایید کردند. صادقی در ادامه بیان کرد: من آن زمان رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار بودم. این لایحه در صورتی که تصویب می شد ساختار تشکل های رسمی کارگری را دگرگون می کرد.

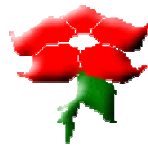
ما تعقیب قضایی و بازداشت فعالان کارگری در ایران را محکوم می کنیم؛ تمامی فعالانی که بازداشت، زندانی و یا به طرق مختلف به دلیل دفاع از حقوق اولیه کارگران و انسان ها، توسط دولت ایران تنبیه شده اند باید فوراً آزاد شوند.

این جملات، بخشی از متن نامه ی اعتراضی واحد بی.ال.از (سازمان مرکزی کارگران سوئد SAC) است که برای مقامات ایران منجمله، رهبر، رئیس جمهور و رئیس قوه ی قضاییه ارسال شده است "وقاحت ماجرای بازداشت و تعقیب قضایی فعالان کارگری (که جز تلاش برای دفاع از سطح معیشت و بهبود زندگی طاقت فرسایشان جرمی مرتکب نشده اند)، آنچنان شورشده که صدای محافل کارگری جهان را بلند کرده و این تشکل ها معترضانه خواستار توقف این سرکوب های ضدکارگری در ایران شده اند.

از جمله ماجرای کارگران کارخانه لوله و نورد ساوه که در اعتراض به پرداخت نشدن ۵ ماه حقوق معوقه و عدم واریز کردن ۱۷ ماه حق بیمه خوداز طرف کارفرما ۲۵ روز اعتصاب متحدانه ای را شکل دادند، از همان نخستین روزه های اعتصاب خود، کارفرما و مسئولان دولتی شهرستان ساوه را دست در دست هم علیه خود مشاهده کردند.

کارفرما و مسئولان دولتی شهرستان ساوه نومید از بی نتیجه ماندن تلاش هایشان برای قانع کردن کارگران، خشمگینانه و با عصبیت ابتدا شاپور احسانی را (عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی چهل هزار نفری کارگران، مشاور قانونی کارگران اعتصابی لوله و نورد صفا، نماینده اخراجی کارگران کارخانه پروفیل ساوه و نماینده ۱۰۰۰ کارگر در شکایت از غارت و چپاول صندوق سازمان تامین اجتماعی است) در ساعت ده شب ۲۶ اردیبهشت ماه در منزلش به اتهام تحریک کارگران اعتصابی کارخانه بازداشت کردند

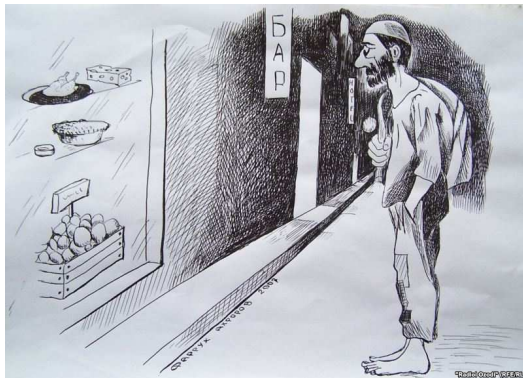
و در ادامه جعفر عظیم زاده (فعال کارگری سرشناس، رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی چهل هزار نفری کارگران، و نماینده کارگران فولاد زاگرس و نماینده ۱۰۰۰ کارگر شاکوی و معترض به اختلاس تامین اجتماعی) نیز روز یکشنبه سوم خرداد در جریان همراهی کردن خانواده شاپور احسانی را که در بازداشت به سر می برد را، دستگیر کردند. جعفر عظیم زاده به اتهام تشویب اذهان عمومی! از طریق انتشار اخبار مربوط به کارگران لوله و نورد صفا که



صدای کارگر:

نماینده کارگران کارخانه آبسال:

شوک بنزین محاسبات معیشتی کارگران را برهم زد



ایلنا: یک فعال کارگری در تهران افزایش ۳۰۰ تومانی قیمت هر لیتر بنزین را برخلاف وعده دولت در زمان مذاکرات تعیین مزد ۹۴ درباره «کاهش تورم» دانست و گفت: دولت با افزایش ناگهانی بهای بنزین بازهم از قدرت خرید کارگران کاسته است.

«آرش فرهادی» نماینده کارگران کارخانه آبسال به ایلنا گفت: وقتی در اوج ناباوری کارگران، شورای عالی کار افزایش ۱۷ درصدی دستمزد کارگران در سال ۹۴ را تصویب کرد، دولت در دفاع از افزایش غیرواقعی و ناچیز دستمزد اعلام کرد که قصد دارد با اجرای برنامه کاهش تورم قدرت خرید کارگران را افزایش دهد. با این حال در پایان دومین ماه سال با افزایش قیمت بنزین کارگران باید نگران افزایش قیمت کالاهای مصرفی باشند.

مسئول شورای اسلامی کار کارخانه آبسال به چند نمونه از اقدامات دولت در سال جاری که باعث کاهش قدرت معیشت کارگران شده است اشاره کرد و گفت: دولت در زمان مذاکرات مزدی به کارگران وعده داده بود تا پایان فصل بهار در نتیجه سیاست‌های اقتصادی دولت قدرت خرید آنها افزایش خواهد یافت، با این حال در آخرین ماه بهار مشاهده می‌کنیم که دولت مانع ابلاغ مصوبه افزایش حق مسکن کارگران بر خلاف توافقات قبلی شده است و از سوی دیگر از ابتدای سال جاری کرایه حمل و نقل شهری تا ۲۰ درصد افزایش یافته و علاوه بر آن قیمت بنزین ناگهان ۳۰۰ تومان گران شده است.



شوراهای اسلامی کار را از نظارت استصوابی خارج و محدودیت‌های انجمن‌های صنفی را کمتر می‌کرد. نمایندگان کارگری بر اساس مواد این لایحه می‌توانستند کارگران را نه فقط در کارخانه که در دادگاه‌ها نیز نمایندگی کنند.

وی تصریح کرد: با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد و تغییر در وزارت کار، این طرح کنار گذاشته شد چراکه دولت وقت تمایل داشت تشکلهای کارگری را محدود کند. به نظر می‌رسد سران وزارت کار این بار نیز با کلمات بازی می‌کنند و با طرح اصطلاحات جدید قصد دارند شکل ظاهری تشکلهای کارگری را تغییر دهند.

معاون دبیرکل خانه کارگر در پایان تصریح کرد: اگر دولت نیت خیری داشته باشد، فصل ششم قانون کار را بر اساس مقاله نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین‌المللی کار (ILO) تغییر می‌دهد، آنوقت تشکلهای رسمی

کارگری به نهادهای واقعی مدنی تبدیل می‌شوند و پیمان‌هایی که با کارفرما و دولت می‌بندند به منزله قانون تلقی خواهد شد.

گفتنی است وزارت کار دولت یازدهم با ارائه طرحی تحت عنوان «توانمندسازی و ساماندهی مشارکت تشکلهای کارگری و کارفرمایی در تنظیم روابط کار» قصد دارد ساختار سه تشکل رسمی کارگری موجود را تغییر دهد.



گزارش:

این کارگر ادامه داد: برخلاف متنی که دولت در زمان تعیین مزد بر سر کارگران گذاشت، مجموعه این اقدامات تنها باعث کاهش قدرت خرید کارگران شده است.

آمار رسمی درباره شکایات کارگران از کارفرمایان در سال ۹۳

۱۱۳ هزار شکایت درباره عدم پرداخت بموقع حقوق



مسئول نهاد صنفی کارگران کارخانه آبسال ادامه داد: کارگران سال هاست برای تامین هزینه‌های زندگی خود به مشاغل دوم و سوم روی آورده‌اند و برای رفتن به محل کار بعدی از وسایل نقلیه عمومی یا شخصی استفاده می‌کنند که گرانی بنزین در هر دو حالت بطور مستقیم در زندگی‌شان تاثیر گذار است و همچنین به صورت غیر مستقیم باید منتظر تاثیر گران شدن بنزین در قیمت کالاهای مصرفی‌شان باشند.

این فعال صنفی الگوی سیاست‌های اقتصادی دولت را اقتصاد آزاد دانست و در پایان گفت: افزایش بهای بنزین باعث افزایش تصاعدی همه هزینه‌های ریز و درشت زندگی خواهد شد و در نهایت باعث می‌شود تا محاسباتی که کارگران برای زندگی خود کرده بودند به هم بخورد.

ادبیات کارگری:

باید دوباره از ریشه روید

دست تو زخمی دست من پینه

تو داس خشمی من پتک کینه

بازو به بازو در وقت پیکار

با خشمو کینه با پرچم کار

باید دوباره کارگر شد

باید دوباره برزگر شد

باید درو کرد باید که کوبید

باید دوباره از ریشه روید از ریشه روید

داس تو تیزو پتک من محکم

نیرو بگیریم از بازوی هم

این مزرعه محتاج بذر است

این کارخانه محتاج کار است

باید درو کرد باید که کوبید

باید دوباره از ریشه روید از ریشه روید

نان من از تو نان تو از من

جان من از تو جان تو از من

فریاد با هم پرواز با هم

آزادگی را آغاز باهم

حقوق، عیدی و پاداش، نپرداختن معوقات و سنوات به همراه اختلاف بر سر حق مسکن و بیمه؛ از مهم‌ترین دلایل بروز اختلاف بین کارگر و کارفرما، شکایت و در بسیاری موارد قطع همکاری در بازار کار ایران است.

به گزارش خبرنگار مهر، بررسی وضعیت بازار کار کشور نشان می‌دهد هرچه عرضه و تقاضای نیروی کار نامتعادل تر شود و از سوی دیگر، روابط کار نیز از چارچوب‌های روشنی پیروی نکند، درگیری و اختلاف نظر بین کارگران و کارفرمایان بر سر منافع بیشتر خواهد بود.

نتیجه بر هم ریختن تنظیم روابط کار در بازار کار و اشتغال کشور، امضای قراردادهای سفید، نادیده گرفتن حقوق قانونی نیروی کار، افت بهره‌وری و انگیزه افراد در کار، تقابل کارگر و کارفرما به جای تعامل و در نتیجه ضربه به تولید و اقتصاد کشور است.

طبق تحقیقی که توسط وزارت کار صورت گرفته، مشخص شد که هم اکنون تضاد منافع مالی بین کارگران و کارفرمایان؛ مهم‌ترین دلیل بروز اختلافات در بازار کار است که این مسئله منجر به هزاران شکایت نیز در هیات‌های حل اختلاف می‌شود.



کشمکش بر سر منافع

شد. حق عائله مندی در سال ۹۲ دارای ۳۱۸۵۷ پرونده شکایت و در سال گذشته ۱۳۲۰۷ شکایت بود. درباره اختلاف بر سر عیدی و پاداش ۹۹۶۰۱ شکایت در سال ۹۲ و تعداد ۱۱۵۶۴۰ شکایت نیز در سال ۹۳ صورت گرفت.

درباره اختلاف بر سر مرخصی استحقاقی کارگران ۷۳۹۹۶ شکایت از کارفرمایان در سال ۹۲ داشته اند که در سال ۹۳ این تعداد شکایت به ۷۹۱۰۸ مورد افزایش یافت. درباره اختلافات کار نوبتی نیز کارگران ۱۹۱۵۲ شکایت در سال ۹۲ داشته اند که این تعداد در سال ۹۳ به ۱۸۶۱۳ مورد رسید. بیش از ۵۱ هزار شکایت نیز در سال ۹۲ به دلایل دیگری در هیات های حل اختلاف به ثبت رسیده است.

<http://www.mehrnews.com/news/2586651>

بر اساس آخرین آمارهای رسمی موجود کشور، بیشترین دادخواست ها در سال ۹۲ مربوط به عیدی و پاداش بوده که ۱۲,۵ درصد از کل دادخواست ها را شامل شده و نسبت به سال ۹۲ به میزان ۱۶,۱ درصد افزایش داشته است.

همچنین دادخواست های مربوط به حقوق معوقه و سنوات خدمت در رتبه های بعدی قرار دارند که نسبت به سال ۹۲ به ترتیب ۱۲,۴ درصد و ۱۵,۲ درصد افزایش یافته اند. این در حالی است که بیشترین موارد دادخواست ها در سال ۹۲ به ترتیب مربوط به حقوق معوقه، عیدی و پاداش و بعد از آن سنوات خدمت بوده است. تفاوت مزد در سال های ۹۲ و ۹۳ کمترین موارد دادخواست ها را داشته است.

شکایات مربوط به اضافه کاری در سال ۹۲ به تعداد ۵۷۶۲۸ مورد بوده که در سال ۹۳ به ۵۹۷۱۵ مورد رسید.

۵۵۶۸۰ پرونده شکایت در سال ۹۲ درخواست به کار بوده که این میزان در سال گذشته به ۶۲۴۱۶ مورد رسید. در مورد حق بیمه ۷۹۱۵۷ شکایت در سال ۹۲ به ثبت رسیده بود که این میزان در سال ۹۳ به تعداد ۹۳۷۰۵ مورد رسید. درباره حق مسکن نیز طی سال ۹۲ به میزان ۵۰۰۰۳ پرونده شکایت تشکیل شده بود که این میزان در سال گذشته به ۵۲۱۷۱ مورد افزایش یافت.

۱۱۲ هزار شکایت برای دیر شدن پرداخت حقوق

مزایای رفاهی و انگیزشی در سال ۹۲ تعداد ۷۳۶۲۰ مورد شکایت داشته که این تعداد در سال گذشته به ۷۶۶۶۹ مورد رسید. همچنین در زمینه تغییر شرایط کار ۵۳۹۴ مورد شکایت از کارفرمایان در سال ۹۲ صورت گرفت که این میزان در سال ۹۳ به تعداد ۵۸۷۰ مورد بود.

تفاوت مزد در سال ۹۲ دارای ۴۸۸۸۶ شکایت بوده که در سال ۹۳ این موضوع ۴۹۶۴۰ شکایت را به خود اختصاص داد. درباره حقوق معوقه در سال ۹۲ کارگران ۱۰۱۳۹۹ شکایت داشته اند که این میزان در سال ۹۳ به تعداد ۱۱۲۹۵۸ مورد رسید. سنوات خدمت از دیگر موضوعات اختلافی بین کارگران و کارفرمایان بود که در این زمینه طی سال ۹۲ مجموعاً ۸۹۵۹۹ شکایت و در سال ۹۳ نیز ۱۰۳۱۹۳ شکایت انجام شد.

اختلاف بر سر طرح طبقه بندی مشاغل در سال ۹۲ منجر به ۱۲۰۲۰ مورد شکایت و در سال ۹۳ نیز ۳۲۷۶۶ شکایت

گزارش:

وقتی حداقل های زندگی، آرزو می شود



Photo:Kianoosh Mohebian

Iranian Labour News Agency

به گزارش خبرنگار ایلنا، هر بار که پا از خانه بیرون می گذاریم در خیابان های شهر با کودکانی و بزرگسالانی مواجه می شویم که در گرماک شدید یا سرماک استخوان سوز در میان ماشین ها یا در کنار خیابان ها به فروش گل، فال، دستمال کاغذی و اسباب بازی ... مشغولند و ما با بی تفاوتی از کنارشان می گذریم و شاید در مواقعی آنها را با خشونت یا بی حوصلگی از خود دور می کنیم. گاهی نیز با افرادی با سنین مختلف مواجه می شویم که تا کمر در سطل های زباله فرو رفته اند و تنها راه



Iranian Labour News Agency

معیشتشان همین جستجو در میان زباله‌ها است و شاید برایمان قابل باور نباشد، همان سطل‌های زباله‌هایی که من و تو حاضر نیستیم لحظه‌ای در کنارشان توقف کنیم، برای افرادی راه امرار معاش و گذران زندگی است، اما به راستی آنان که چنین مشاغلی دارند، در چه شرایطی زندگی می‌کنند. خبرنگار ایلنا با راهنمایی و کمک زهره صیادی فعال حقوق کودکان کار به سراغ یکی از خانواده‌هایی می‌رود که برای کسب درآمد به جمع‌آوری ضایعات می‌پردازند.

برای گفت‌وگو با این خانواده به بیابان‌های اطراف قلعه حسن خان می‌رویم، جایی که آفتاب بی‌هیچ ملامتی تند و مستقیم بر سرت آوار می‌شود. به هر جا که نگاه می‌کنی، بیابان است و تپه ماهورهایی از جنس قلوه سنگ‌های ریز و درشت که راه رفتن را بیش از پیش سخت و مشکل می‌کنند. صیادی می‌گوید؛ برای پیدا کردن این خانواده‌ها باید به میان این تپه‌ها برویم، چرا که این برهوت تغذیه تنها جان پناه و مامنی است که این افراد را از تیررس اشخاصی که به دنبال بهانه‌ای برای به آتش کشاندن زندگی‌شان هستند، در امان نگه می‌دارد.

سرانجام پس از پیاده‌روی و گذر از چند تپه به تعدادی به اصطلاح چادر می‌رسیم که محل زندگی سیمین خانم و خانواده اوست، چادرهایی از جنس پلاستیک، گونی، بنرهای تبلیغاتی، چوب و ... خانه‌ای از جنس محرومیت در هیچستانی بی‌انتها.

زنی کوچک اندام با چهره‌ای آفتاب سوخته، مهربان و خوشرو به استقبال مان می‌آید، میزبان مهربانمان ما را به محوطه خانه‌اش یا همان چادرها دعوت می‌کند. در محوطه تعدادی مرغ و خروس وجود دارد و تنوری که برای پخت نان از آن استفاده می‌شود. تنوری که در آن لحظه سرد و خالی است. چند کودک قد و نیم قد نیز در اطراف هستند که با دیدن ما به سوی چادر می‌آیند، گویا نوه‌های بانوی سالخورده هستند.

آنجا که برخورداری از آب هم رویایی بزرگ است

زن خود را سیمین معرفی می‌کند، می‌گوید ۶۵ ساله است. چروک‌های ریز و درشتی که بر صورت آفتاب سوخته‌اش نقش بسته خبر از زندگی سخت و مشقت بار او می‌دهد. سیمین می‌گوید: اهل زاهدان است و بیشتر از ۲۰ سال پیش به تهران آمده، او سرپرستی چهار فرزند و پنج نوه خود را به عهده دارد و از وضع بد زندگی گلایه می‌کند.

وی ادامه می‌دهد: شوهرم فوت کرده و من بچه‌های صغیر در خانه دارم. یکی از دخترانم نیز پا به ماه است و بعد دخترکی را نشان می‌دهد و اضافه می‌کند؛ جان بی بی هم عقد کرده، اما فعلا نمی‌تواند به خانه شوهر برود گذاشته‌ایم بزرگتر شود، جهیزیه هم ندارد.

سیمین می‌گوید: وسیله زیادی برای زندگی نداریم، یک گازپیک نیکی داریم که گاهی از آن استفاده می‌کنیم. ما اینجا آب آشامیدنی هم نداریم و آب مورد نیازمان را از شرکتی که اینجا ساخت و ساز می‌کند، می‌گیریم اما روزهای تعطیل که شرکت بسته است، ما بدون آب می‌مانیم. دستشویی آن طرف ترها وجود دارد، برای حمام هم باید به شهر برویم.

این هموطن ادامه می‌دهد: کار ما جمع‌کردن ضایعات است، جمع‌آوری ضایعات درآمد زیادی ندارد، از مسئولان هم تا به حال کسی به ما کمکی نکرده، به علاوه من مجبور هستم مرتب محل زندگی خود را تغییر بدهم چون هر از گاهی ماموران شهرداری به شدت فشار می‌آورند. تا به حال دوبار چادرهایمان آتش گرفته است نمی‌دانم چرا؟ ما برای جمع‌آوری ضایعات رفته بودیم، وقتی برگشتیم خانه‌مان سوخته بود.



پولی برای دوا، دکتر نداریم

در آنجا من و خاله‌ام را زدند، دلیلش را نمی‌دانم اما چند ماهی است که با ما کاری ندارند، اما ماموران شهرداری هر از گاهی ما را به خاطر دستفروشی می‌زنند.

دخترک زیبای زاهدانی تا به حال به مدرسه نرفته است. درباره آرزوهایش که می‌پرسم، اول کمی گنگ نگاهم می‌کند، انگار معنای آرزو را نمی‌داند، سرانجام می‌گوید: آرزو دارم به مدرسه بروم و چیزی یاد بگیرم. آرزو دارم خوشبخت باشم. از او می‌پرسم که چه چیزی باعث می‌شود که احساس خوشبختی کنی؟ پاسخ می‌دهد؛ اینکه خانه‌ای داشته باشیم و از این بیابان راحت شویم، اینجا همه چیز سخت است.

از جان بی بی می‌پرسم، اینجا به جز شما کس دیگری هم زندگی می‌کند؟ به تپه‌های اطراف اشاره می‌کند و می‌گوید؛ آنجا پر از کسانی است که مثل ما هستند و زندگی سختی دارند.

شهرداری نمی‌گذارد کار کنم/ ما ایرانی هستیم

بعد از جان بی بی پای صحبت‌های علی برادر او می‌نشینم. پسری ۱۵ ساله باغ‌رور خاص همین سنین. او هم ضایعات جمع می‌کند، می‌گوید؛ ماهانه از راه جمع‌آوری ضایعات ۳۰۰ تومان در می‌آورم، اما ماموران شهرداری جلوی کار ما را می‌گیرند. شهرداری می‌گوید؛ این کار را باید ماموران بازیافت انجام دهند، چون آنها به شهرداری پول می‌دهند، اما شما پولی به شهرداری نمی‌دهید. آنها ضایعاتی را که جمع می‌کنم، از من می‌گیرند و با من دعوا می‌کنند.

علی برخلاف همسن و سالان خود تا به حال به مدرسه نرفته است. او آرزوی داشتن زندگی خوب را در سر می‌پرورد. برای علی هم زندگی خوب یعنی خانه‌ای برای زندگی و سقفی بالای سر و خلاص شدن از شرایط سخت زندگی در بیابان. علی معترضانه و با ناراحتی ادامه می‌دهد: تا به حال ۲ بار ماموران چادر ما را آتش زده‌اند. آنها فکر می‌کنند ما پاکستانی هستیم، با اینکه به آنها گفته‌ایم که ایرانی هستیم اما به حرف ما گوش نمی‌کنند. من برای خواهر و برادرم هم می‌ترسم، می‌ترسم که برای آنها اتفاقی بیفتد، سعی می‌کنم مراقب آنها باشم.

تنها خواسته‌ام جایی برای زندگی است

تنها خواسته سیمین خانم داشتن چند چادر است که سقف بالای سر خانواده‌اش باشد. او از مسئولان می‌خواهد که برای او و خانواده‌اش جایی برای زندگی درست کنند.

وی درباره مدرسه رفتن بچه‌ها می‌گوید: هیچ‌کدام از بچه‌ها تا به حال مدرسه نرفته‌اند، چون شناسنامه ندارند. شناسنامه‌ها زمانی که چادرمان را آتش زدند، سوخت و تا به حال هم موفق نشده‌ایم برای آنها شناسنامه بگیریم. ما زندگی خوبی نداریم. بی پولی و بی آبی مهم‌ترین مشکلات ما هستند. چند وقت پیش هم به آقایی آمد؛ اینجا قول کمک داد، اما رفت و دیگر نیامد.

سیمین درباره استفاده از خدمات پزشکی می‌گوید: برای دوا و دکتر پولی در بساط نداریم. وقتی بچه‌ها مریض می‌شوند، نمی‌توانیم آنها را درمان کنیم چرا که ما از خدمات دولتی نمی‌توانیم استفاده کنیم. دخترم ۲۵ سال دارد و منتظر تولد پنجمین کودک خود است، اما فقط ۲ تا از بچه‌ها را در بیمارستان به دنیا آورده و مابقی را در همین بیابان به کمک قابله به دنیا آورده است.

همه افراد ملت در حمایت قانون قرار دارند

صحبت‌های این بانوی زحمت‌کش و رنج‌دیده این بند از قانون اساسی را به یاد می‌آورد که تاکید می‌کند: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

قانونی که در آن حمایت از مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، حمایت از کودکان بی سرپرست مورد توجه قرار گرفته و برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره را حقی همگانی دانسته است.

به سراغ دختر کوچک سیمین خانم می‌روم، دخترکی که به گفته سیمین خانم مدتی پیش به عقد پسری درآمده اما تا به حال نتوانسته زندگی مشترک خود را شروع کند.

اینجا همه چیز سخت است

جان بی بی ۱۲ ساله است. علاقه‌ای به ازدواج ندارد. شوهرش را هم دوست ندارد. درباره مشکلاتش که می‌پرسم از برخورد بدی که در کمپ‌های متعلق به سازمان بهزیستی با او شده گلایه کرده و ادامه می‌دهد؛



اجتماعی اوست، به رسمیت شناخته و برپایه امکانات و قوانین داخلی خود، تلاش کند تا به والدین یا سرپرست قانونی کودک کمک‌های لازم را کرده و در صورت نیازمندی، برای آنها خوراک، مسکن و تن پوش فراهم کند.

حال چگونه است که معصومه به همراه برادران کوچک، خاله و دایی نوجوان خود باید در چنین شرایط ناهنجار و رقت‌باری زندگی می‌کند؟ به چه علت همان چادرهای محقرشان را نیز به آتش می‌کشند، چرا به جای حمایت از این افراد تنها ماوایشان را نیز بر نمی‌تابند؟

نمی‌گذارند به کودکان آموزش دهیم

صیادی فعال حقوق کودکان کار درباره آموزش کودکانی که در چنین شرایطی زندگی می‌کنند، می‌گوید: ما پنج سال پیش در منطقه‌ای که تعداد این کودکان زیاد بود، چادری را موسوم به چادر مدرسه برپا کردیم تا به این کودکان علاوه بر آموزش خواندن و نوشتن، مهارت زندگی را نیز آموزش دهیم.

وی ادامه می‌دهد: بعد از مدتی چادر مدرسه توسط ماموران مرتبط با برخی ادارات منطقه به آتش کشیده شد. چادر دیگری برپا کردیم که شهریور ماه گذشته دوباره سوزانده شد. در نهایت با کمک تعدادی از دوستان ساختمانی را رهن کردیم تا بچه‌ها را آموزش دهیم، اما یک روز که در مدرسه جمع شده بودیم ناگهان گروهی به سرگردگی شخصی که خود را منتسب به یکی از نهادها معرفی می‌کرد، به مدرسه هجوم آوردند این افراد هدف خود را از این اقدام اینگونه عنوان کردند که ما قصد داریم، کاری کنیم که این بچه‌ها اصلاً اینجا نباشند و هرکاری که لازم است، در این باره انجام می‌دهیم.

صیادی می‌گوید: در نهایت مدرسه تعطیل شد و من به دهیاری مراجعه کردم و جالب این است که وقتی به دهیاری می‌روم، رویکرد مثبتی دارند اما در عمل برخوردشان با این کودکان به گونه‌ای دیگر است.

وی اضافه می‌کند: بعد از مدتی که به مدرسه سر زدم متوجه شدم که هیچ یک از وسائل مدرسه از جمله تخته، میز و نیمکت‌ها نیستند، آب ساختمان قطع شده و شیشه‌ها هم شکسته‌اند و پی‌گیری‌های من نیز تاکنون بی‌فایده بوده است. صیادی می‌گوید: متأسفانه حضور بچه‌ها در این مناطق به رسمیت شناخته نشده است و هیچ مامنی برای آنها در نظر گرفته نشده است. به همین دلیل بچه‌ها باید دائماً محل زندگی خود را تغییر داده و پنهان شوند.

سیمین و سیمین‌های بسیاری در چنین شرایطی زندگی می‌کنند، بدون خانه و کاشانه و با داشتن فرزندان قد و نیم قدی که از تمام حقوق اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی خود محروم هستند، این در حالی است که **اصل سی ام** قانون اساسی دولت را موظف کرده تا وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم کرده و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد، **اصل سی و یکم** نیز مقرر داشته که داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است و دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، بخصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند. نمی‌دانم که چرا این اصول مترقی و انسان‌دوستانه درباره افرادی همچون سیمین و خانواده اش اجرا نمی‌شود و درحقیقت چرا این افراد به فراموشی سپرده شده‌اند.

دخترکی که از جهان تنها یک بیابان می‌شناسد

در میان نوه‌های سیمین خانم دختر کوچکی توجهم را جلب می‌کند، معصومه ۳ ساله است و بنا به گفته مادر بزرگش تا به حال از آن منطقه بیابانی بیرون نرفته است. معصومه از همه چیز و همه کس می‌ترسد چشمانش وحشت زده است و تنها صدای آشنا برای او صدای ماشین‌های سنگین شرکتی است که در اطراف محل زندگی او مشغول کارند. تصور او از زندگی محدود به همان چیزی است که در آن بیابان سنگلاخی دیده است. دخترک خردسال از دوربین عکاس، از لیخنه یک غریبه یا نزدیک شدن به فردی به جز افراد خانواده به شدت می‌ترسد. دستان کوچک او لطافت و نرمی دستان همسن و سالانش را ندارد، آفتاب سوخته و خشک است و در اثر گزیدگی حشرات در آن بیابان بی‌آب و علف پراز لک و خط است.

به نظر می‌رسد؛ برخی این موضوع را فراموش کرده‌اند که ما کنوانسیون حقوق کودک را امضا و تصویب کرده‌ایم و براساس قانون، اصول این پیمان‌نامه هم‌تراز قوانین داخلی و لازم‌الاجرا هستند. پس چرا هیچ کس به حقوق کودکانی همچون معصومه توجه نمی‌کند؟ مگر نه آنکه با پذیرش این کنوانسیون موظف هستیم که، حق کودک برای داشتن سلامتی و استفاده از همه امکانات برای سلامت ماندن، بهبودی و درمان بیماری را به رسمیت شناخته و تضمین کنیم تا هیچ کودکی از این حق محروم نماند؟ مگر نه آن است که براساس این پیمان‌نامه حاکمیت مکلف است؛ حق کودک را برای داشتن سطحی از زندگی که متناسب با موقعیت و رشد روحی، جسمی، قومی و



ایران برای همه ایرانیان است، اما سهم افرادی همچون سیمین و خانواده‌اش از وطن کجاست؟ سهم آنان از مواهب و نعمات این مرز پرگوهر چه میزان است؟

علی و جان بی‌بی تنها آرزوی کودکانه‌شان داشتن خانه‌ای برای زندگی است. خانه‌ای که آب، سرویس بهداشتی و سقفی برای در امان ماندن از آفتاب و باران داشته باشد.

آنها از کار هراسی ندارند، اما دلشان می‌خواهد، مثل دیگر همسن و سالانشان در آسایش زندگی کنند و به جای دغدغه پیدا کردن ضایعات بیشتر از زباله‌ها و درگیری با ماموران شهرداری بزرگ‌ترین مشکل زندگی‌شان نمره پایانی سال تحصیلی باشد. آنان غمی دارند به بزرگی بی‌عدالتی که در حقشان روا شده است. این کودکان دوران جنگ را ندیده‌اند، اما در شرایطی زندگی می‌کنند که بسیاری از ما در دوران جنگ نیز تجربه نکردیم.

گزارش: شادی مکی